

گزارش مختصر سوم

محفل تجلیل از پنجاهمین سالگرد بنیانگذاری جریان دموکراتیک نوین افغانستان در شهر...

سیزدهم میزان ۱۳۴۴ روزی است که تاریخ بنیانگذاری جریان دموکراتیک نوین افغانستان یا شعله جاوید به شمار می‌رود. به روز دوشنبه مورخ سیزدهم میزان ۱۳۹۴ به عنوان پنجاهمین سالگرد بنیانگذاری جریان دموکراتیک نوین افغانستان در شهر محفلی تدویر گردید که تعداد شرکت کنندگانش به ۵۰ تن می‌رسید.

محفل تجلیلیه یک ترکیب سه گانه نوجوانان، جوانان و میان سالان را در بر می‌گرفت. این محفل راس ساعت ۹ صبح روز دوشنبه سیزدهم میزان آغاز گردید و ساعت ۱۰ و نیم صبح خاتمه یافت.

دیوارهای سالن با شعارها و تصاویری از زنده یاد اکرم یاری پوشانیده شده بود. در یکی از شعارها چنین نوشته شده بود:

« گرامی باد ۱۳ میزان و فرخنده باد پنجاهمین سالیاد جنبش دموکراتیک نوین در افغانستان »

این شعار توجه اکثریت شرکت کنندگان در محفل را به خود جلب نمود. عده ای از شرکت کنندگان که با جریان دموکراتیک نوین در افغانستان آشنائی نداشتند و آنرا به خوبی نمی‌شناختند، از لابلای سخنرانی‌ها و مقالات خوانده شده در محفل بدان آشنائی حاصل نمودند و آنرا شناختند. عده ای پس از اختتام محفل علاقه مندی خود را به این جنبش نشان داده و خواهان شناخت بیشتر از وضعیت کلی این جنبش گردیدند.

جوانانی که برای اولین بار در محفل شرکت نموده بودند، اکثریت این محفل را تشکیل می‌دادند. تمامی دست اندرکاران محفل، تعهد سپردند که منبعده همه ساله از این روز تجلیل به عمل آورده و راه شان را ادامه خواهند داد.

محفل با افتتاحیه یک تن از دست اندرکاران و با شعر ذیل آغاز به کار نمود:

تو شاهینی قفس بشکن، به پرواز آ و مستی کن
که بر آزادگان داغ اسارت سخت ننگین است

این بیت از شعر، شور زایدالوصفی را میان شرکت کنندگان به راه انداخت. طوری که با خواندن این بیت از شعر، تمامی شرکت کنندگان با کف زدن های پیهم، گرداننده را همراهی نمودند.

سپس سخنرانان به ترتیب صحبت نمودند. اولین نفر که توسط مجری برنامه به جایگاه سخنرانی دعوت گردید، اعلامیه کمیته برگزاری محفل پنجاهمین سالیاد جنبش دموکراتیک نوین افغانستان را به سمع حاضرین رساند. در قسمت شروع اعلامیه آمده است:

« امروز، ۱۳ میزان سال ۱۳۹۴ خورشیدی، مصادف است با پنجاهمین سالگرد تأسیس سازمان جوانان مترقی افغانستان. سازمان جوانان مترقی افغانستان در نشست عمومی مؤسس آن سازمان در ۱۳ میزان سال ۱۳۴۴ خورشیدی اعلام موجودیت کرد. خط و مشی مبارزاتی سازمان یک خط و مشی علمی و ضد ارتجاعی، ضد تجدید نظر طلبی و ضد امپریالیستی و ضد سوسیال امپریالیستی بود. اتحاد این خط و مشی مبارزاتی به پیش گامی رفیق زنده یاد اکرم یاری صورت گرفت. با تکیه بر این خط و مشی مبارزاتی اصولی و فعال، سازمان جوانان مترقی به زودی توانست ابتکار راه اندازی جریان دموکراتیک نوین افغانستان را روی دست گیرد. از آنجایی که انتشار جریده شعله جاوید به عنوان ناشر اندیشه های دموکراتیک نوین نقش موثری در رشد و گسترش جریان دموکراتیک نوین افغانستان بازی نمود، جریان مذکور به نام جریان شعله جاوید معروف گردید، به نحوی که تا امروز تمامی شخصیت‌ها و تشکلاتی که ریشه‌های تاریخی‌شان از لحاظ فکری و سیاسی به جریان دموکراتیک نوین افغانستان در دهه چهل خورشیدی می‌رسد بنام شعله‌یی یاد می‌شوند.»

متن اعلامیه توجه حاضرین را بخود جلب نمود و وضاحت کاملی بر مسیر پنجاه ساله جنبش دموکراتیک نوین به عمل آورد. همچنان اعلامیه با تاکید روی موجودیت فعالیت های انقلابی یادآوری نمود که :

« امیدواریم برگزاری این محافل گام کوچکی باشد در جهت معرفی جنبش ما، جنبشی که علی‌رغم ضربات پیهم وارده بر پیکرش در طی عمر مبارزاتی پنجاه ساله اش و جان باختن باربار کل جمع بزرگان و رهبرانش در مبارزه و مقاومت علیه امپریالیزم و ارتجاع هم‌چنان زنده است، نفس می‌کشد و در صحنه مبارزاتی کشور در خون خفته ما کماکان حضور دارد.»

درین محفل سه نفر دیگر از سخنرانان هر یک به نوبه خود و از زوایای متفاوت روی تاریخچه جنبش دموکراتیک نوین افغانستان به بحث پرداختند. سخنرانان محفل علاوه بر تاکید روی برپائی و پیشبرد همه جانبه مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران کنونی و رژیم دست نشانده شان، روی نقش "داعش" در افغانستان در وضعیت کنونی روشنی انداخته و هردو را دشمنان عمده کشور و مردمان کشور معرفی نمودند.

در لابلای برنامه سه قطعه شعر توسط جوانان که با شور و هلهله انقلابی همراه بود دکلمه گردید. در پایان محفل یک قطعه سرود توسط نوجوانان به اجرا گذاشته شد که روحیه انقلابی به محفل دمید.

در پایان محفل مجری برنامه از شرکت تمامی کسانی که درین محفل اشتراک نموده بودند اظهار امتنان نموده و خواهان برگزاری محافل آینده که در همین تاریخ ۱۳ میزان هر سال تدویر خواهد شد، گردید و عده ای از اشتراک کنندگان محفل پس از خروج از درب ورودی سالن با تعهد مجدد اشتراک در محافل بعدی، وعده سپردند که بخاطر شناخت بیشتر از جنبش دید و بازدید های بیشتری را روی دست خواهند گرفت.

محفل راس ساعت ۱۰ و نیم صبح روز دوشنبه مورخ ۱۳ میزان ۱۳۹۴ با کف زدن های ممتد حاضرین پایان یافت.

افتتاحیه

توشاهینی قفس بشکن به پرواز آ و مستی کن

که بر آزادگان داغ اسارت سخت ننگین است

مگر ای هموطن، ای پور رنج آخر نمیدانی؟

تلاش زندگی در کارزار مرگ شریں است

دوستان عزیز و رفقای گرامی امروز ما پنجاهمین سالروز بنیادگذاری جنبش دموکراتیک نوین را تجلیل می کنیم. جنبش دموکراتیک نوین افغانستان امروز ۵۰ ساله شد. کمیته برگزاری پنجاهمین سالیاد بنیادگذاری جنبش دموکراتیک نوین افغانستان قرار است این روز را در مناطق مختلف تجلیل نماید.

جنبش دموکراتیک نوین افغانستان که به نام جریان شعله جاوید شهرت دارد با وجود کمبودات جدی در خط و مشی و برنامه سیاسی اش یگانه جنبش ضد امپریالیستی - ضد سوسیال امپریالیستی و ضد ارتجاعی بود که توانسته بود از تمامی اقوام ساکن در کشور عضو گیری نماید و در دهه ۴۰ شمسی بزرگترین مظاهرات را در کشور رهبری نماید. ولی با وجود این همه، یکی از کمبودات جدی این جنبش این بود که خود را در شهرها متمرکز نموده بود و کار در دهات را فراموش کرده بود. اما با وجود کمبوداتی از این قبیل، خط ایدئولوژیک - سیاسی اصلی جنبش قابل تأیید است. ما باورمندیم که یگانه مشی درستی که می تواند کشور را از حالت فعلی اش بیرون بیاورد مشی درست دموکراتیک نوین یعنی مقاومت ملی مردمی و انقلابی همه جانبه علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده است. ازین دید است که پنجاهمین سالیاد بنیادگذاری جنبش دموکراتیک نوین افغانستان را تجلیل می نماییم.

به مناسبت تجلیل از

پنجاهمین سال‌گرد بنیادگذاری جریان دموکراتیک نوین افغانستان

امروز، ۱۳ میزان سال ۱۳۹۴ خورشیدی، مصادف است با پنجاهمین سال‌گرد تأسیس سازمان جوانان مترقی افغانستان. سازمان جوانان مترقی افغانستان در نشست عمومی مؤسس آن سازمان در ۱۳ میزان سال ۱۳۴۴ خورشیدی اعلام موجودیت کرد. خط و مشی مبارزاتی سازمان یک خط و مشی علمی و ضد ارتجاعی، ضد تجدید نظر طلبی و ضد امپریالیستی و ضد سوسیال‌امپریالیستی بود. اتحاد این خط و مشی مبارزاتی به پیش‌گامی رفیق زنده‌یاد اکرم یاری صورت گرفت. با تکیه بر این خط و مشی مبارزاتی اصولی و فعال، سازمان جوانان مترقی به زودی توانست ابتکار راه اندازی جریان دموکراتیک نوین افغانستان را روی دست گیرد. از آنجایی که انتشار جریده شعله جاوید به عنوان ناشر اندیشه‌های دموکراتیک نوین نقش موثری در رشد و گسترش جریان دموکراتیک نوین افغانستان بازی نمود، جریان مذکور به نام جریان شعله جاوید معروف گردید، به نحوی که تا امروز تمامی شخصیت‌ها و تشکلاتی که ریشه‌های تاریخی‌شان از لحاظ فکری و سیاسی به جریان دموکراتیک نوین افغانستان در دهه چهل خورشیدی می‌رسد بنام شعله‌یی یاد می‌شوند.

سازمان جوانان مترقی و جریان دموکراتیک نوین افغانستان در هر سه عرصه مبارزاتی ضد ارتجاعی، ضد رویونیستی و ضد امپریالیستی و سوسیال‌امپریالیستی به نحو اصولی و فعالانه مبارزاتش را پیش می‌برد. به همین جهت جریان دموکراتیک نوین افغانستان یا جریان شعله جاوید به سرعت به بزرگترین جریان سیاسی توده‌یی و کثیر الملیتی کشور مبدل گردید که بخش بزرگی از روشنفکران، کارگران و خرده بورژوازی شهری مبارز از ملیت‌های مختلف کشور را در رهبری و صفوف خود جای داده بود. به همین جهت مورد کینه و نفرت عمیق و گسترده ارتجاع، تجدیدنظرطلبان وطنی و امپریالیست‌ها و سوسیال‌امپریالیست‌ها قرار گرفت.

اولین قربانی حمله ارتجاع بر جریان دموکراتیک نوین افغانستان زمانی صورت گرفت که این جریان هنوز قد راست نکرده بود و از طریق پخش شب‌نامه‌ها و سایر شکل‌های فعالیت‌های مبارزاتی مخفی و نیمه‌مخفی مبارزاتش را پیش می‌برد. این رفیق جان‌باخته یکی از منسوبین کارگری جریان بود که حین پخش یک شب‌نامه توسط پولیس ارتجاع دست‌گیر گردید و زیر شکنجه‌های ددمنشانه قاتلان مرتجع و هار جان‌باخت. دومین حمله بر جریان که توسط سانسورچیان ارتجاع به منظور غضب یک وسیله مهم تبلیغاتی آن صورت گرفت، توقیف جریده شعله جاوید پس از انتشار ۱۱ شماره آن در اوایل سال ۱۳۴۷ خورشیدی بود. حمله سوم ارتجاع بر جریان که به تعقیب حمله دوم و مدت کمی بعد از آن صورت گرفت، حمله "قوای ضربه" پولیس ارتجاع بر تظاهرات روشنفکری- کارگری تحت رهبری جریان بود. در اثر این حمله، تظاهرات سرکوب گردید و عده زیادی از روشنفکران و کارگران شعله‌یی و به ویژه عده‌ای از رهبران جریان دموکراتیک نوین دست‌گیر گردیده و به زندان انداخته شدند.

جنبه‌های ضعیف خط و مشی عمدتاً اصولی سازمان و سرکوب‌گری‌های ارتجاع ظاهر شاهی در قبال جریان دموکراتیک نوین دست‌به‌دست هم داده از یک‌طرف زمینه‌ساز اولین انشعاب در جریان گردید و از طرف دیگر شکل‌گیری یک خط و مشی متفاوت با خط و مشی مؤسس سازمان را به صورت درونی باعث گردید. اما این انشعاب آشکار در جریان و شکل‌گیری درون سازمانی یک خط و مشی متفاوت با خط و مشی رفیق زنده‌یاد اکرم یاری، نتوانست تأثیرات سوء برجسته و گسترده‌یی بر فعالیت‌های مبارزاتی جریان داشته باشد. ولی فشارهای درونی و بیرونی بر سازمان و جریان زمینه‌ساز مبتلا شدن رفیق زنده‌یاد اکرم یاری به یک مریضی جان‌گاز گردید که در اثر آن دیگر نتوانست به فعالیت‌های سازمانی‌اش ادامه دهد و ناگزیر از سازمان کناره‌گیری اختیار نمود. پس از آن خط و مشی متفاوت با خط رفیق زنده‌یاد اکرم یاری که از قبل در درون سازمان شکل گرفته بود بر سازمان مسلط گردید.

زمانی که یک‌گدهم‌آیی جریان دموکراتیک نوین افغانستان در سال ۱۳۵۱ خورشیدی در پوهنتون کابل مورد حمله ددمنشانه ارتجاع اخوانی گلبدینی قرار گرفت، یکی از رزمندگان فعال جریان یعنی "سیدال سخندان" جان‌باخت. در همین سال مسئولیت کشته شدن مشکوک یکی از متعلمین مکاتب شهر هرات در جریان یکی از تظاهرات در آن شهر توسط جناح خلق حزب دموکراتیک خلق افغانستان به دوش شعله‌یی‌ها انداخته شد. به دنبال این حوادث، سازمان و جریان به دو بخش مدافعین و انتقاد یون

تقسیم گردید. رهبری جدید سازمان جوانان مترقی و خط و مشی غیر اصولی و غیر فعال آن نه تنها قادر نگردید بر این مشکلات فایق آید، بلکه در مقابل آن سپر انداخت. در نتیجه، سازمان به سرعت به طرف انحلال سوق یافت، جریان فروپاشید، بخش اعظم منسوبین سازمان و جریان غیرفعال گردیدند و منحرفین اکونومیست که بخش عمده انتقادیون را تشکیل می دادند بر بخش های زیادی از فعالین باقیمانده جریان مسلط شدند. جریان دموکراتیک نوین که پراکنده شده و فروپاشیده بود نه تنها نتوانست از کودتای ۲۶ سرطان سال ۱۲۵۲ داودخان، که به هم کاری فعال مزدوران تجدید نظر طلب سوسیال امپریالیست های شوروی و موافقت و هم کاری خود "شوروی ها" صورت گرفت، جلوگیری نماید، بلکه در مواجهه با استبداد داودخانی، که تحت نام و ماسک جمهوریت صورت می گرفت، بیشتر از پیش پراکنده و متشتت گردید و بقایای آن به طرف انحرافات و انشعابات بیشتر پیش رفتند و در صحنه مبارزات سیاسی افغانستان بیشتر از پیش به حاشیه کشانده شدند.

کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ توسط مزدوران تجدید نظر طلب سوسیال امپریالیزم شوروی به هم کاری نزدیک مشاوران نظامی و قوای هوایی متجاوز "شوروی" و آغاز سرکوبگری های سبعانه وسیع و گسترده کودتاچیان علیه تمامی نیروهای سیاسی مخالف شان در افغانستان - به شمول منسوبین سابق سازمان جوانان مترقی، جریان دموکراتیک نوین و تشکلات برخاسته از متن آنها و حتی شعله یی های سابق غیرفعال و غیرمربوط به تشکلات موجود - باعث گردید که یکبار دیگر جنب و جوش مبارزاتی در میان بقایای جریان دموکراتیک نوین افغانستان به وجود آید و خواست عمومی برای وحدت بخش های مختلف بقایای جریان در میان آن ها شکل بگیرد. اما این خواست مبنای ایدیولوژیک - سیاسی روشن و میدان توده یی وسیع نداشت. بخش های مختلف بقایای جریان دموکراتیک نوین افغانستان نه تنها در صحنه سیاسی افغانستان سال ها عقب ماندگی داشتند بلکه در قبال انکشافات جدید در جنبش انقلابی بین المللی نیز شدیداً عقب مانده بودند و کمبودات و انحرافات سابق شان وسیع تر و عمیق تر گشته بود. طبیعی بود که این جنبش مبتلا به کمبودات و انحرافات وسیع و عمیق و دچار تشتت و تفرقه نه تنها نتواند عکس العمل اصولی و نیرومند در قبال کودتاچیان ۷ ثوری و سپس تجاوز و اشغالگری سوسیال امپریالیست های شوروی از خود نشان دهد، بلکه بخش هایی از آن به دامان ناپاک تجدیدنظرطلبی های جدید در جنبش انقلابی بین المللی سقوط کردند و بطور کلی از دایره جنبش دموکراتیک نوین بیرون رفتند.

در هر حال این جنبش متشتت و متفرق نه از لحاظ ایدیولوژیک - سیاسی آماده مقابله اصولی با اشغالگران سوسیال امپریالیست و دست نشاندهگان تجدیدنظرطلب وطنی شان و رشد و گسترش روزافزون نیروهای ارتجاعی وابسته به امپریالیست های غربی و قدرت های ارتجاعی منطقه یی بود و نه از لحاظ توان توده یی سازمان یافته و نظامی. با وجود این در مبارزه و مقاومت علیه رژیم کودتا و اشغالگران سوسیال امپریالیست ده ها هزار نفر از رهبران و صفوف خود را قربانی داد. طبیعی بود که فرجام این نبرد چیزی جز شکست تلخ چیز دیگری نمی توانست باشد. زخم های این شکست تلخ آن چنان عمیق است که تا هم اکنون - یعنی پس از گذشت تقریباً سه دهه از زمان شکل گیری مجدد خط و مشی اصولی میراث دار، ادامه دهنده و تکامل دهنده خط و مشی اصولی رفیق زنده یاد اکرم یاری و ارتقا و گسترش آهسته و پیوسته اش تا زمان حاضر - همچنان تازه است و درد و سوز جان کاهش هنوز احساس می شود.

ما در جریان چندین تحول پیهم سیاسی - نظامی در طی این سه دهه (خروج قوای متجاوز و اشغالگر سوسیال امپریالیستی از کشور و سپس فروپاشی رژیم بازمانده از دوران اشغال "شوروی"؛ روی کار آمدن تنظیم های جهادی، تشکیل دولت اسلامی و خانه جنگی های خانمان سوز میان جهادی ها؛ شکل گیری تحریک اسلامی طالبان، گسترش سریع نفوذ آن ها در کشور و تشکیل امارت اسلامی طالبان در اثر حمایت های ارتجاعی و امپریالیستی خارجی و سرانجام تجاوز و اشغالگری امپریالیست های امریکایی و متحدین شان بر افغانستان، سرنگونی امارت اسلامی طالبان توسط آن ها، تشکیل حاکمیت پوشالی رژیم دست نشانده و سپس آغاز مقاومت های جنگی ارتجاعی طالبان علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده و گسترش آن) در سطح یک جنبش ضعیف سیاسی مخالف امپریالیست ها و مرتجعین باقی مانده ایم و هنوز نتوانسته ایم یک مقاومت وسیع و همه جانبه علیه اشغالگران کنونی و دست نشاندهگان شان را بسیج، سازمان دهی و رهبری نماییم. یکی از عوامل مهم ابتلای ما به این وضعیت نامناسب و نامساعد آن است که هنوز درد و سوز زخم های عمیق شکست تلخ جنبش ما در مقاومت ضد سوسیال امپریالیستی جان و تن ما را می آزارد و روح و روان ما را پژمرده می سازد.

اما نجات از این درد و پژمرده‌گی نه تنها مورد نیاز و ضروری است بلکه قطعاً ممکن و قابل حصول نیز می‌باشد. نباید فراموش کنیم که جنبش ما در طی سه دهه گذشته، علی‌رغم سقوط عدّه زیادی از رفقای نیمه راه و دشمن شادکن به منجلاّب تجدیدنظر طلبی و خیانت‌های طبقاتی و ملی در قبال دشمنان ارتجاعی و امپریالیستی، مشخصاً در قبال امپریالیست‌های اشغال‌گر امریکایی و متحدین شان و رژیم پوشالی دست‌نشانده شان، پیوسته به موضع‌گیری‌های ضد ارتجاعی و ضد امپریالیستی پرداخته و پیشاپیش همه نیروهای سیاسی افغانستان به مخالفت با حاکمیت ارتجاعی "جهادی‌ها"، امارت قرون وسطایی و عقب‌گرای طالبان، تجاوز و اشغال‌گری امپریالیست‌های امریکایی و متحدین شان و رژیم دست‌نشانده شان برخاسته است. به گفته یکی از نویسندگان مرتجع، ما پیوسته "دولت ستیز" باقی‌مانده ایم. بنابراین ما از یک پایه فکری و سیاسی ارتقا و گسترش مخالفت ضعیف سیاسی کنونی علیه اشغال‌گران و رژیم دست‌نشانده به یک مقاومت همه‌جانبه ملی مردمی و انقلابی علیه آن‌ها برخوردار هستیم؛ به شرط این‌که کمبودها و نواقص خود را بزدا کنیم، بر اصولیت‌ها و درستی‌های علمی فکری و سیاسی مان قاطعانه اتکاء کنیم و بر مبنای خط و مشی اصولی علیه پراگنده‌گی و تفرقه در جنبش قاطعانه مبارزه نماییم.

مبارزه علیه امپریالیسم، ارتجاع و اپورتونیزم پایه و اساس مبارزه انقلابی را تشکیل می‌دهد. اما این پایه و اساس، در مراحل مختلف تکامل اجتماعی کشور، در اشکال عمده و غیرعمده تبارز خود نمایان می‌گردد.

در حال حاضر سلطه امپریالیسم بر افغانستان از لحاظ نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به‌طور عمده در سلطه همه جانبه اشغال‌گران امپریالیست امریکایی و متحدین شان بر افغانستان متبلور گردیده است، هم‌چنان‌که سلطه ارتجاع عمدتاً توسط سلطه پوشالی رژیم دست‌نشانده اشغال‌گران بر کشور مشخص شده است. بر علاوه باید گفت که متأسفانه هنوز اشغال‌گران امپریالیست از کشور رانده نشده و رژیم دست‌نشانده سرنگون نشده است که تجاوز خزنده یک دولت ارتجاعی خارجی (داعش) بر افغانستان و گسترده شدن روزافزون دامنه اشغال‌گری‌هایش را شاهد هستیم. این‌ها مجموعاً در حال حاضر دشمنان عمده کشور و مردمان کشور محسوب می‌گردند و آماج مقاومت ملی مردمی و انقلابی کنونی و مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی آینده هستند. در واقع اپورتونیست‌های تسلیم شده تجدیدنظرطلب به این دشمنان عمده کشور و مردمان کشور نیز در زمره همین دشمنان قرار دارند و باید آماج مقاومت ملی مردمی و انقلابی دانسته شوند.

عمده دانستن مقاومت علیه این دشمنان عمده کشور و مردمان کشور به‌مفهوم نادیده گرفتن کامل مبارزه علیه دشمنان غیر عمده نیست و نمی‌تواند باشد. اما این مبارزه باید تابع منافع عمومی مقاومت علیه دشمنان عمده باشد و در هم‌سویی و هم‌آهنگی با آن پیش برده شود. مبارزه علیه سایر دولت‌های امپریالیستی و ارتجاعی خارجی و وابستگان شان را باید در زمره همین نوع مبارزه به حساب آورد و به پیش برد. بر علاوه مبارزه علیه سایر گرایش‌های اپورتونیستی و غیر تجدیدنظرطلب در میان منسوبین کنونی جنبش مترقی و انقلابی کشور نیز ضروری و مهم است و نباید به فراموشی سپرده شود.

کمیته برگزارکننده پنجاهمین سال‌گرد تاسیس سازمان جوانان مترقی، علی‌رغم تمامی محدودیت‌ها و ناتوانی‌های دست‌وپاگیر تلاش کرده است که طی چندین محفل در نقاط مختلف کشور، تجلیل شایسته‌ای از این روز به عمل آورد. از تمامی رفقا و دوستانی که در جوانب مختلف این کاروبیکار ما را مدد رسانده اند اظهار امتنان می‌نماییم و تمامی رفقا و دوستانی را که در محافل امروزی شرکت کرده اند خیرمقدم می‌گوییم. امیدواریم برگزاری این محافل گام کوچکی باشد در جهت معرفی جنبش ما، جنبشی که علی‌رغم ضربات پیهم وارده بر پیکرش در طی عمر مبارزاتی پنجاه ساله اش و جان‌باختن باربار کل جمع بزرگان و رهبرانش در مبارزه و مقاومت علیه امپریالیسم و ارتجاع هم‌چنان زنده است، نفس می‌کشد و در صحنه مبارزاتی کشور در خون خفته ما کماکان حضور دارد. اگر کل برنامه برگزاری از پنجاهمین سال‌گرد بنیادگذاری جنبش دموکراتیک نوین کشور بتواند گام روشنی باشد در جهت تثبیت این حضور و ارتقا و گسترش درست، اصولی و رزمنده آن در آینده، ما احساس غرور و افتخار می‌نماییم و اعلام می‌کنیم که تمامی رفقا و دوستان هم‌کار ما و تمامی رفقا و دوستان حاضر در محافل امروز نیز در این احساس سربلندی مبارزاتی با ما شریک و سهیم هستند.

زنده، شگوف و پیش‌رونده باد جنبش دموکراتیک نوین در افغانستان!

به پیش در راه برپایی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی همه جانبه علیه اشغال‌گران امپریالیست و رژیم دست‌نشانده و مرتجعین متجاوز و اشغال‌گر داعشی!

کمیته برگزاری پنجاهمین سال‌گرد بنیادگذاری جریان دموکراتیک نوین افغانستان

۱۳ میزان ۱۳۹۴ خورشیدی (۵ اکتوبر ۲۰۱۵ میلادی)

استاد "ب."

شکوه مند باد ۱۳ میزان

۱۳ میزان سالروز تاسیس جنبش انقلابی پرولتری و جنبش دموکراتیک نوین افغانستان است. امسال جنبش انقلابی پرولتری و جنبش دموکراتیک نوین افغانستان ۵۰ ساله شد. دههٔ چهل خورشیدی اوج جریان‌های سیاسی در کشور بود. غیر از دو جریان خلق - پرچم و اخوانی‌ها، جنبش دموکراتیک نوین یکی از سه جریان سیاسی مهم در کشور بود و در مدت خیلی کم توانست از دو جنبش سیاسی دیگر یعنی خلق - پرچم و اخوانی‌ها پیشی بگیرد. جنبش دموکراتیک نوین با خط و مشی مبارزاتی اصولی و مساعد بودن شرایط کشوری و بین‌المللی توانست در طی چند سال به وسیع‌ترین جنبش سیاسی در کشور مبدل گردد و طیف وسیعی از زنان و مردان مبارز و انقلابی شامل محصلان، استادان، متعلمان، معلمان، نویسندگان، کارمندان پایین‌رتبه، کارگران و سایر زحمت‌کشان ملیت‌های مختلف کشور را در مبارزات ضد ارتجاعی، ضد امپریالیستی و ضد سوسیال امپریالیستی شکل وسیع بسیج نماید.

جریان دموکراتیک نوین افغانستان به دلیل به نشر کردن هفته‌نامهٔ شعلهٔ جاوید در اواخر سال ۱۳۴۶ و اوایل سال ۱۳۴۷ که نقش عمده را در شکلگیری گسترده و وسیع آن جنبش بازی نمود، در جامعهٔ افغانستان به نام جریان شعله جاوید و یا شعله‌ی‌ها معروف گردید. با وجودی که فقط ۱۱ شماره از هفته‌نامهٔ شعلهٔ جاوید انتشار یافت و سپس توسط رژیم ارتجاعی آن وقت توقیف گردید، ولی این تعداد محدود از شماره‌های شعلهٔ جاوید توانست نقش تاریخی خود را در شکلگیری گسترده و وسیع جریان شعله جاوید در کشور بازی نماید و این جنبش به یک جنبش سراتاسری کشور مبدل گردد.

یقیناً سازمان جوانان مترقی و جریان دموکراتیک نوین به عنوان سازمان و جریان تازه و نو پا نمی‌توانستند دارای کمبودها و ضعف‌ها نباشند. اما متأسفانه که ضعف‌ها و کمبودات سازمان و جریان به مثابه پایه و اساس و رشد عوامل نامساعد کشوری و بین‌المللی به مثابه شرایط تاثیر گذار باعث گردید که جنبش انقلابی پرولتری و جنبش دموکراتیک نوین نتوانند بصورت درست ارتقاء و گسترش یابند و پس از یک دورهٔ کوتاه مدت شگوفایی مبارزاتی بطرف فروپاشی و پراگندگی پیش رفتند.

شعلهٔ جاوید در اوایل سال ۱۳۴۷ توسط رژیم حاکم توقف گردید و به تعقیب آن مظاهرات ماه جوزای ۱۳۴۷ توسط قوای سرکوبگر دولت ارتجاعی ظاهرشاه سرکوب و تعدادی نسبتاً زیادی از رهبران جریان دستگیر و زندانی شدند. این ضربه نه تنها اولین انشعاب در بدنهٔ جریان شعلهٔ جاوید را در پی داشت، بلکه خط و مشی ای غیر از خط و مشی بنیانگذار سازمان در درون سازمان نیز تبارز یافت و در نتیجه، مبارزهٔ دو خط در درون سازمان و جریان پدیدار گشت. ولی متأسفانه مبارزهٔ دو خط متذکره بجای اینکه باعث تقویت و گسترش تشکیلات سازمان و گسترش صفوف جریان گردد، باعث گردید تا سازمان به طرف فروپاشی سوق یابد و جریان نیز بصورت منفی متأثر گردد.

پس از آنکه استاد زنده یاد اکرم یاری در اثر ابتلا به یک مریضی اجباراً از فعالیت‌های مبارزاتی سازمانی بازماند و گوشه نشینی اختیار کرد، خط و مشی دیگری غیر از خط و مشی وی بر سازمان جوانان مترقی تسلط پیدا کرد. این خط زمینه‌انفعالی درونی را در سازمان فراهم نمود و علاوه‌بر آنشعابات در جریان را نیز قویاً تقویه کرد. در نتیجه کسانی که خط و مشی انحرافی شان در سال‌های بعد به خط و مشی تجدیدنظرطلبانه و تسلیم طلبانه آشکار تکامل منفی نمود فرصت یافتند تا از سازمان و جریان انفعالی‌نموده و کل جنبش انقلابی پرولتری و جنبش دموکراتیک نوین کشور را بطرف پراگندگی و مشی‌های انحرافی، تجدیدنظرطلبانه و تسلیم طلبانه طبقاتی و ملی سوق دهند.

تسلط خط و مشی‌های انحرافی، تجدیدنظرطلبانه و تسلیم طلبانه بر بدنه جنبش انقلابی پرولتری و جنبش دموکراتیک نوین افغانستان در

حدود تقریباً یک و نیم دهه دوام نمود. به همین دلیل نه تنها جنبش قادر نگرديد بر ضعف‌هایش فایق آید بلکه به شدت تضعیف گردید.

با آنکه جنبش انقلابی انقلابی پرولتری و جنبش دموکراتیک نوین کشور در مبارزه و مقاومت علیه رژیم مزدور کودتای ۷ ثور و اشغالگران سوسیال‌امپریالیست ده‌ها هزار تن از رهبران، کادرها، فعالین و صفوف خویش را از دست داد اما متأسفانه نتوانست در این مبارزه و مقاومت به ارتقاء و گسترش خود دست یابد و در مسیر انقلاب دموکراتیک نوین پیشروی نماید، بلکه برعکس شکست‌های سنگینی را متحمل گردید. تأثیرات سوء آن شکست‌ها هنوز هم به خوبی ملموس است و احساس می‌گردد.

بعد از شکست تجدیدنظرطلبان در سطح ملی و بین‌المللی و متشکل شدن جنبش انقلابی پرولتری در جهان در وجود جنبش انقلابی انترناسیونالیستی و احزاب و سازمان‌های شامل در این جنبش، هسته‌های اولیه خط و مشی اصولی انقلابی پرولتری و دموکراتیک نوین در نیمه‌های دهه شصت شمسی بصورت آشکار خود را نشان دادند و یک بار دیگر برآمد واضح خط و مشی اصولی انقلابی پرولتری و دموکراتیک نوین را در کشور رقم زدند و تحرک نوین انقلابی پرولتری و دموکراتیک نوین را در افغانستان به راه انداختند، این تحرک نو پا و نوین توانست یک بار دیگر خط و مشی اصولی انقلابی پرولتری و دموکراتیک نوین را در کشور احیا نموده و جنبش ما را در اوضاع و شرایط نسبتاً جدید کشوری و بین‌المللی، در مقایسه با اوضاع و شرایط دهه چهل خورشیدی، سر از نو و مستقلانه علیه امپریالیسم و ارتجاع فعال ساخته و ارتقاء بخشد و همچنان علیه تسلط خط و مشی‌های انحرافی، تجدیدنظرطلبانه و تسلیم‌طلبانه ملی و طبقاتی بر بخش‌های مختلف باقی‌مانده جنبش به مضاف برخیزد.

منحرفین، تجدیدنظرطلبان و تسلیم‌طلبان که تسلط شان بر بخش‌های مختلف جنبش انقلابی پرولتری و جنبش دموکراتیک نوین کشور را بلامنازع و دایمی فکر می‌کردند و خط اصولی را خاتمه یافته اعلام نموده بودند، احیای خط و مشی انقلابی پرولتری و دموکراتیک نوین را "گاه کهنه به باد دادن" خواندند، نتوانستند در مقابل مبارزات اصولی ایستادگی نمایند و یکی پس از دیگری دچار شکست شکست و پراگندگی شدند. برعکس، تحرک نوین به ارتقاء و گسترش خود ادامه داد و مبارزاتش را بر محور شعارها و مواضع انقلابی پرولتری و دموکراتیک نوین علیه اشغالگران سوسیال‌امپریالیست و مزدوران‌شان، حاکمیت ارتجاعی جهادی‌ها و خانه‌جنگی‌های خانمان‌سوزشان، امارت ارتجاعی و استبدادی طالبان و سرکوب‌گری‌های قرون وسطایی‌شان را با قاطعیت ادامه داد. جنبش نوین از همان آغاز تجاوز و اشغالگری امپریالیست‌های امریکایی و متحدین شان بر افغانستان و شکلگیری رژیم دست‌نشانده توسط آن‌ها موضعگیری قاطع کرد و علیه اشغالگران و رژیم دست‌نشانده موضع گرفت.

تحرک نوین خط و مشی انقلابی پرولتری و دموکراتیک نوین از همان آغاز به راه افتادن تا حال عمدتاً ممثل نظری و عملی وحدت‌طلبی اصولی در جنبش کشور ما بوده، در این مسیر حرکت کرده و در راه رفع پراگندگی‌ها و تأمین وحدت کوشیده است. به‌همین جهت نه تنها از لحاظ کیفی بلکه از لحاظ کمی نیز عمدتاً به رشد و گسترش خود ادامه داده است.

برگزاری پنجاهمین سالیاد بنیادگذاری جنبش انقلابی پرولتری و جنبش دموکراتیک نوین کشور یعنی پنجاهمین سالیاد بنیادگذاری سازمان جوانان مترقی مناسبتی است که همه ما را قویاً به طرف وحدت و یکپارچگی بر اساس خط و مشی اصولی پرولتری و دموکراتیک نوین فرامی خواند تا همه دست به دست هم دیگر داده و در صفوف بهم فشرده و منظم علیه اشغالگران و دست نشاندهگان شان به مثابه دشمنان عمده کشور و مردمان کشور مبارزه نموده و در مسیر تدارک برای برپایی و پیشبرد یک مقاومت ملی مردمی و انقلابی همه جانبه حرکت نماییم.

یقیناً مبارزه و مقاومت ملی علیه دشمنان عمده کشور به هیچ وجه به مفهوم تعطیل نمودن مبارزات دموکراتیک نوین نیست. ما باید در عین حالی که مبارزه بر محور تضاد عمده ملی علیه اشغالگران امپریالیست و دست نشاندهگان شان را پیش می بریم، پیشبرد مبارزات دموکراتیک نوین را نیز نباید به فراموشی بسپاریم.

تجارب مبارزاتی نه تنها در سطح بین المللی بلکه در افغانستان نیز پیوسته ثابت ساخته است که تکیه یک جانبه و انحصاری روی مبارزه و مقاومت ملی علیه دشمنان عمده فعلی و به فراموشی سپردن مبارزات دموکراتیک نوین علیه آن ها و علیه دشمنان غیر عمده کنونی، در آخرین تحلیل به زیان مبارزه و مقاومت ملی علیه دشمنان عمده کنونی ختم می شود. اینچنین مبارزه و مقاومت ملی یک جانبه به علت نادیده گرفتن خواست های دموکراتیک برحق توده های رزمنده و مقاومت جو دامنه بسیج توده ها در مبارزه و مقاومت ملی ضد اشغالگران و رژیم دست نشانده را به شدت محدود می نماید و حتی امکان آن بسیج را از بین می برد و بدین گونه زمینه ها برای مانورهای ضد دموکراتیک و ارتجاعی مخالفین مسلح اشغالگران و رژیم دست نشانده را قویاً گسترش می دهد.

موفق باشید!

باز می جوشد هریوا

اینک اینک باز اندر صبحگاهی

این چنین روشن

خلق تاریخ آفرینش

انقلابی توده شاهین مزاج تیز بینش

مست و توفان خیز می آید به پیش

می زداید از رخ او گرد حرمان

باز می جوشد هریوا

باز می جنبد هریوا

در شرایط کنونی کشور که از یک طرف امپریالیستها کشور ما را مورد تجاوز و اشغال قرار داده است و از طرف دیگر ارتجاع داعشی نیز مردمان ما را گردن می زند، وظیفه تمامی نیروهای آزادیخواه و میهن دوست کشور این است که هم در مقابل متجاوزین و اشغالگران امپریالیست و هم در مقابل متجاوزین و اشغالگران داعشی به مبارزه و مقاومت برخیزند.

سرود اجرا شده توسط نوجوانان:

وطن عشق تو افتخارم ——— وطن در رهت جان نثارم

وطن خاک پاکت بهشتم ——— وطن گلخنت لاله زارم

وطن عشق تو افتخارم ——— وطن در رهت جان نثارم

وطن عاشقم بر شکوهت ——— به از گل بود سنگ و کوهت

وطن هر کجایی که باشم ——— تویی جان فضا ای دیارم

وطن عشق تو افتخارم ——— وطن در رهت جان نثارم

وطن قلب من هستی من ——— بود رگ رگم پر زخونت

ز تو همچو گل بشکفد دل ——— اگر در خزان یا بهارم

وطن عشق تو افتخارم ——— وطن در رهت جان نثارم

استاد "ش.":

پنجاهمین سال یاد جنبش دموکراتیک نوین فرخنده باد

پنجاه سال قبل جنبش دموکراتیک نوین افغانستان بر مبنای خط و مشی اصولی و انقلابی ضد سوسیال امپریالیستی، ضد امپریالیستی، ضد ارتجاعی و ضد روزیونیستی به عرصه سیاسی کشور پا گذاشت.

این جنبش به پیشگامی رفیق زنده یاد اکرم یاری با تعیین خط و مشی اصولی و انقلابی توانست جریان دموکراتیک نوین کشور را به شیوه اصولی و انقلابی رهبری نماید. این جنبش توانست در مدت زمان کوتاهی به یک جنبش وسیع سیاسی مبدل گردد و توانست هزاران زن و مرد انقلابی را از اقشار و ملیت های مختلف کشور بسیج نماید.

در طی پنجاه سال گذشته جنبش دموکراتیک نوین در مقاطع مختلف قربانی های بی همتایی را در مبارزات ضد سوسیال امپریالیستی، ضد امپریالیستی، ضد ارتجاعی و ضد روزیونیستی متقبل گردیده و هزاران تن از بهترین فرزندان این کشور که متعلق به این جنبش بوده اند جان های شیرین شانرا در دفاع از وطن و زحتمکشان کشور قربان نموده اند.

جنبش دموکراتیک نوین کشور در دوران دموکراسی کذایی ظاهر شاه توانست مبارزات ضد روزیونیستی را رهبری نموده و پرده از چهره روزیونیست ها بردارد. در همان زمان تعداد زیادی از رهبران و منسوبین این جنبش دستگیر گردیده و به زندان انداخته شدند و چندین سال در زندان اسیر باقی ماندند.

در دوران جنگ مقاومت ضد سوسیال امپریالیستی شوروی منسوبین این جریان در جنگ مقاومت وسیعاً شرکت نمودند و هیچ منطقه ای از افغانستان وجود نخواهد داشت که آن ها در آن حضور جنگی نداشته بوده باشند و قربانی نداده باشند.

ولی متأسفانه بعد از پنجاه سال برای اولین بار است که از روز تاسیس سازمان جوانان مترقی توسط تجلیل به عمل می آید. این تجلیل از دو جهت قابل دقت است:

۱- جنبش دموکراتیک نوین به عنوان یک جنبش و جریان نو پا و فاقد پراتیک مبارزاتی قبلی نمی توانست دارای کمبودها و ضعف های عدیده نباشد. این کمبودها و ضعف ها باعث گردید که با وجود قربانی دادن های بی همتای جنبش در مبارزه به خاطر انقلاب و در مقابله با دشمنان افغانستان، در اثر مسلط شدن مشی های انحرافی و غیر انقلابی جنبش نتواند تا پنجاه سال از روز تاسیس خود تجلیل به عمل بیاورد. اینک که کمیته برگزاری پنجاهمین سالیاد جنبش دموکراتیک نوین قادر گردیده است برای اولین بار در چند منطقه در داخل کشور و خارج کشور برنامه تجلیل از این روز را رویدست بگیرد، شاید محافل متذکره نتواند چندان وسیع و بزرگ باشد.

۲- اما محافلی که در تجلیل از پنجاهمین سالیاد تاسیس جنبش دموکراتیک نوین برگزار خواهد شد، شاید شرکت کنندگان آن از لحاظ کمیت اندک باشد، آن چنانکه محفل فعلی ما یک محفل کوچک است، ولی از لحاظ کیفیت و تاریخی نقطه عطفی است در تاریخ جنبش کشور که با وجود تسلط چندین ساله مشی های انحرافی و غیر انقلابی بر این جنبش و پراگندگی جنبش بین المللی، خط و مشی اصولی و انقلابی قد راست نموده و قادر گردیده بیریق مبارزاتی ضد امپریالیستی، ضد ارتجاعی و ضد تجدید نظر طلبی را به اهتزاز در آورد. به تاریخ ۲۹ حوت ۱۳۹۳ اعلامیه ای در جریده شعله جاوید تحت عنوان "به پیش در راه تامین وحدت سراسری میان نیروها و شخصیت های انقلابی" انتشار داده شد و در آن از تمامی نیروها و شخصیت های انقلابی دعوت به عمل آمد که: «با تعمیق و گسترش مبارزات ایدیولوژیک- سیاسی به خاطر وحدت میان انقلابیون و آغاز همکاری های عملی مبارزاتی میان آن ها سعی نمائیم که این سالگره را هرچه با شکوه تر و وسیع تر تجلیل نمائیم. ما فقط بدین صورت خواهیم توانست ضرورت عام وحدت انقلابیون کشور در یک حزب واحد انقلابی را در چهارچوب یک مناسبت خاص بیان کرده و تبلور بخشیم و امر سترگ وحدت ایدیولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی تمامی انقلابیون کشور را به پیش سوق داده و متحقق سازیم.»

با تأسف برنامه تجلیل مشترک عملی نگردید. سایر گروه ها و شخصیت هایی که ادعای انقلابی بودن را دارند شاید هر کدام به تنهایی از این روز تجلیل به عمل آورند و یا هم شاید کمیته برگزاری پنجاهمین سالیاد تاسیس جنبش دموکراتیک نوین از

این روز به تنهائی تجلیل به عمل بیاورد. چنانچه در تجلیل از هفتم قوس روز جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین دو سال است که تجلیل به عمل می آوریم، مصمم هستیم که از سیزدهم میزان یعنی روز تاسیس جنبش نیز هر سال تجلیل به عمل بیاوریم.

جنبش دموکراتیک نوین در طول پنجاه سال عمر مبارزاتی خویش فراز و نشیب های زیادی را دیده است، دست آوردهای داشته و تلفات و خسارات بزرگی را متحمل گردیده است؛ آبدیده شده، تجارب به دست آورده و تکامل نموده است. با وجود تسلط بلامنزاع چندین ساله مشی های انحرافی، غیر اصولی و ضد انقلابی بر جنبش در طول دهه پنجاه و نیمه اول دهه شصت شمسی، خط و مشی انقلابی و اصولی مبارزات خود را ادامه داده و پیش رفته است. در اواسط دهه شصت شمسی جنبش نوین انقلابی شکل گرفته و با الهام گیری از جنبش انقلابی جهانی هر چه اصولی تر و انقلابی تر مواضع خویش را اعلام نموده و تعدادی از گروهها و شخصیت های انقلابی با هم متحد شدند.

چنانچه گرد همایی سرتاسری سال ۱۳۸۳ پاسخ مناسب و به جا بود بر ضد امپریالیزم و رژیم دست نشانده و به وجود آمدن حالت مستعمراتی در کشور توسط امپریالیزم امریکا و متحدین شان، امید واریم تجلیل از سیزدهم میزان نیز پاسخ مناسب و نقطه ای عطفی باشد برای وحدت تمامی نیروها و شخصیت های انقلابی که به صورت سازمان یافته یا انفرادی مبارزات شان را ادامه میدهند. در شرایطی که وضعیت سیاسی کشور در حال دگر گونی است و کشور هنوز تحت اشغال نیروهای امپریالیست به سرکردگی امپریالیزم امریکا است، چنانچه حمله های هوایی اشغالگران امپریالیست بر کندوز نشان دهنده این امر است، ما شاهد پیدا شدن نیروهای داعشی هستیم، نیروهای اشغالگری که در واقع متعلق به یک قدرت ارتجاعی عرب است و افغانستان را ولایت خراسان خلافت ارتجاعی اسلامی خود می خوانند. این وضعیت بیشتر از هر زمانی وحدت تمامی نیروهای انقلابی را الزام آور میسازد. ما باور مندیم که یکی از اقدامات مهم برای تدارک جنگ مقاومت ملی و مردمی، بر علاوه ترسیم خط و مشی انقلابی و اصولی و استحکام ایدئولوژیک-سیاسی، مبارزه برای وحدت نیروهای انقلابی و تامین این وحدت و گسترش کمی صفوف انقلابیون نیز میباشد. به امید کسب این موفقیت و پیروزی!



سرود من

منم دستانسرای آرام خلق زحمتکش

که هستم رهسپار سر زمین روشنایی ها

چراغ شعر من

روشنگر این وادی تاریک و جانفرسا

سرود پیشتازم

اختر آن آسمان روشن فردا

که بر خورشید رخشانش

نگردد چیره ابر ظلمت و تاریکی و افسون

واندر کوهساران زمینش لاله بینی

لاله های آتشین و سرخ

که باشد یادگار جاودان از قطره های خون:

خون رادمردان پیشتاز راه آزادی

که اندر سنگر پیکار هستی ساز دشمن سوز

طلسم بردگی بشکست و دست زور کوتاه کرد

سرود من

نباشد آب و باشد شعله جاوید

چه آتش ها

که اندر کاخ بیداد و ستم زین شعله افروزد

کجا شعر است

این فریاد مرغ آتشین بال است

که از هر گوشه

از این بام گیتی می کشد آواز

برای کارگر

این رهرو فردای هستی بخش

که اندر کوره بیداد این مشت ستم گستر روان پرشکوه خویشتن بیهوده می سوزد

و آن برزیگر محزون که اندر کشتزار خویش بهر غیر می کارد.

در تجلیل از پنجاهمین سالیاد سیزده میزان روز تاسیس سازمان جوانان مترقی

درست در ۱۳ میزان ۱۳۴۴ خورشیدی یعنی پنجاه قبل از امروز جمعی از روشنفکران کشور در یک گرد هم آبی و بحث و گفتگوی عمومی در شهر کابل برای اولین بار در تاریخ کشور جنبشی را به نام جنبش دموکراتیک نوین بر اساس یک تفکر علمی و دموکراتیک پایه گذاری کردند .

جنبش در مدت زمان بسیار کوتاه توانست در بین اقشار و طبقات مختلف اجتماعی اعم از کارگران، دهقانان، مامورین پایین رتبه، متعلمین، محصلین، استادان مکاتب و دانشگاه، از اقوام مختلف ساکن در کشور اعم از پشتون، هزاره، تاجک، ازبک، ترکمن، بلوچ و راه باز کرده و تبدیل به یک جنبش واقعا سرتاسری کشور و مردمی گردد.

گسترش سریع و وسیع این جنبش، ترس؛ هراس و وحشت زیادی را برای ارتجاع و استبداد سیاه و اربابان خارجی آنها یعنی قدرت های امپریالیستی به وجود آورد .

رفقا و دوستان عزیز!

محفل امروزی ما محفل یاد بود است؛ محفل گرامی داشت است؛ محفل تجلیل است و بالاخره محفل بحث و تحلیل است. یاد بود از بنیان گذاری جنبش مترقی و دموکراتیک نوین در پنجاه سال قبل و گرامی داشت از آنروز، تجلیل فدا کاریهای اعضا و منسوبین این جنبش است. اعضای وفا دار و متعهد که با معیوبیت، معلولیت، رفتن زندان و بالاخره با ریختن خون سرخ شان این نهال غرس شده ۱۳ میزان ۱۳۴۴ را به درخت تنومندی تبدیل کرده و به شهرت رساندند.

تجلیل از ۱۳ میزان، تجلیل از صد ها معیوب، هزاران زندانی، هزارها شهید و مفقود قربانی دستان پلید ارتجاع، استبداد و امپریالیزم و سوسیال امپریالیزم است. این همه قربانیان جنبش، درفش سرخ مبارزه و مقاومت را طور وظیفه و امانت به ما و شما سپرده اند.

نفرین بر همه آنهایی که رفقای نیمه راه بودند، بر همه آنهایی که خون شهدا را با پول و مقام معامله کردند و یا وسیله رسیدن به اروپا و امریکا و سایر کشورهای امپریالیستی قرار دادند.

تحلیل از اینکه چرا جنبش نتوانست آن طوری که انتظار میرفت همین روال را ادامه داده و در بعد داخلی مطابق به استراتژی جنبش در اطراف و مناطق دور دست در بین توده ها جا پیدا نموده و تبدیل به یک جنبش سرتاسری و مردمی گردد و مناطق پایگاهی انقلابی خود را داشته باشد و و همچنان در معادلات و محاسبات سیاسی در بعد بین المللی و منطقوی به عنوان یک جنبش نیرومند انقلابی مورد محاسبه قرار گرفته و تاثیر خود را داشته باشد. در جواب باید گفت که:

وضعیت جنبش در بعد دُخارجی: چرا جنبش در سطح منطقه و در سطح جهانی اعم از کشورها و جنبش های مترقی و انقلابی موجود در کشور های دور و نزدیک، در معادلات و محاسبات سیاسی و نظامی در دوره های مختلف حیات سیاسی خودش از وضعیت و جایگاه عالی برخوردار نبوده است و ده ها چراهای دیگر؟

درینمورد تا حال پاسخ ها و جواب های مختلف و حتی متضادی از جانب موافقین و مخالفین و بطور اخص از جانب تعدادی از شخصیت هایی که خود شان را انقلابی و حتی مدعیان رهبری و جزء موسسین میدانستند و میدانند، داده شده است. من مطمئن ام که رفقا و دوستان حتما این پاسخ ها را دیده و خوانده اند. اینکه آیا جواب ها قابل قبول است یا خیر؟ آن را میگذاریم به خود رفقا و دوستان.

اکنون باید ما هم به نوبه خود به عنوان کسانی که در جریان حوادث بوده، مشکلات و سختی های بیشماری را دیده و تحمل کرده ایم، جواب این چرا ها را بدهیم تا نقش جدید خویش را با استفاده از تجربیات تلخ گذشته بخوبی ایفا نموده و مبارزات بر حق و عادلانه خود را ادامه داده و پیش ببریم.

گروه ها، سازمان ها، احزاب، جریان ها و جنبش هایی می توانند زنده بمانند، مبارزه کنند و در نتیجه به اهداف خود برسند که رهبری های آنها دارای شرایط و خصوصیات ذیل باشند:

الف: تعهد؛ ب: جسارت و جرئت کاری؛ ج: تخصص؛ د: پشتکار و تشکل منظم و منضبط، صداقت در رهبری و صفوف؛ هـ - تبلیغات وسیع.

الف و ب- تعهد و جسارت و جرئت کاری: آنچه که بنظر من از اهمیت و ارزش والایی برخوردار است تعهد است. در قدم اول تعهد با آرمان ها، خواست ها، ارزش ها و خطوط گروه و سازمان حزب است و سپس تعهد به مردم و خواست های مردم و رساندن آنها به حقوق حقه و ابتدائی و انسانی شان و بالاخره نجات مردم و کشور از بدبختی ها، برده گی ها، اسارت و وابستگی ها. همه این ها زمانی صورت گرفته می تواند و زمانی می تواند به تحقق بپیوندد که رهبری و اعضا جسارت کار و پیکار داشته و بتوانند جایگاه رزمندگی شان را پیدا نمایند، در مبارزه هیچ گاه و هیچوقت ترس به خود راه ندهند و با سازماندهی و بسیج توده های زحمتکش قاطعانه آنها را رهبری نموده و مبارزه را ادامه دهد. افراد و اشخاصی می توانند تا آخر راه یعنی رسیدن به پیروزی مبارزه را ادامه دهند که نترسند، خسته نشوند و هر روز مصمم تر از روز گذشته کار و پیکار شانرا ادامه دهند که تعهد و پشتکار داشته باشند. هستند رفقای نیمه راهی که به گوشه ای می خزند و در برزخ نفرین و نفرت خلق و تاریخ مفقود و مدفون می گردند.

ج - تخصص: تخصص به طور کلی به دو بخش کشوری و بین المللی تقسیم می شود.

در اول بخش داخلی را به بررسی می گیرم. تخصص و تسلط کامل در تحلیل از وضعیت کشور و مردم کشور، رژیم حاکم بر کشور، چگونگی روابط متقابل مردم با رژیم و رژیم با مردم، چگونگی روابط رژیم با کشورهای جهان و منطقه و بالعکس، اطلاع کافی از وضعیت در داخل کشور، اطلاع کافی از وضعیت اقتصادی، فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی، طبقات اجتماعی، اقوام و ملیت های ساکن در کشور، لسان ها و مذاهب و چگونگی روابط متقابل آنها با همدیگر و برخورد رژیم با هر یک از آن ها و برخورد آن ها با رژیم.

در بخش بین المللی، تسلط کامل در تحلیل از وضعیت جهانی، کشور های جهان، جنبش های مترقی و انقلابی و وضعیت آنها و ایجاد روابط مطمئن با جنبش ها و احزاب مترقی و انقلابی بر اساس احترام متقابل و همکاری متقابل.

د - موجودیت تشکیلات متمرکز، منسجم، منظم و منضبط: پذیرش سلسله مراتب حزبی و تشکیلاتی از جانب تمام اعضا، تطبیق مداوم اصول و ضوابط، داشتن برنامه های آموزشی منظم، ایجاد ارتباط منظم بین حلقه ها نظر به شرایط، ایجاد و خلق انگیزه، پذیرش نظری و عملی مسئولیت ها و وظایف، رعایت دقیق اصول مخفی کاری، کنترل و نظارت دقیق بالای تمام اعضا و عملکرد آنها. همه اینها در پهلوی اینکه نشان های روشنی از یک تشکیلات منظم و منضبط انقلابی است، به همدیگر مرتبط بوده و اجرای دقیق آن ها تاثیرات مثبت خود را بالای هم بجا می گذارد و موفقیت احزاب و جریان های سیاسی را تضمین می کند.

هـ - نقش اطلاعات و نشرات: اطلاعات و نشرات چه نوشتاری باشد یا برقی و یا هر وسیله ای دیگر بر همه روشن است.

بدین ترتیب می رسیم به مرحله نیتجه گیری در بحث فوق. می بینیم که جریان یا جنبش دموکراتیک نوین که در ۱۳ میزان سال ۱۳۴۴ به وجود آمد، کدام یک از اینرها را داشت و کدام ها را نداشت. با تاسف باید گفت که مدت زمان بسیار کوتاه پس از اعلام موجودیت جریان یا جنبش دموکراتیک نوین به اثر مریضی ای که تنها رهبر این جریان به آن دچار گردید و عملاً دیگر نتوانست جریان را به شکل اصولی و انقلابی آن رهبری کند، بدبختی جنبش از همانجا و همانروز آغاز گردید و ادامه یافت و جنبش عملاً فاقد رهبری گردید؛ زیرا بقیه افراد و اشخاص اعضای جریان و حتی موسسین جریان نه تجربه کافی داشتند و نه به اندازه ای که لازم بود و ایجاب می کرد دارای خطوط فکری روشن و انقلابی بودند. بد تر و تاسف آور تر از آن، موجودیت تعدادی از افراد و اشخاص فرصت طلب در درون جریان یا جنبش و استفاده سوء آن ها از وضعیت پیش آمده بود که عملاً جریان را به انشعاب کشاند.

چون ما مساعده جهانی برای جنبش و سرمایه گذاری های بسیار کلان امپریالیزم غرب و سوسیال امپریالیزم شرق در مقابله با این جریان، چه بطور مستقیم توسط خود آنها، چه از طریق رژیم های مزدور ارتجاعی و چه از طریق کشور های ارتجاعی مذهبی منطقه و چه از طریق ایجاد احزاب وابسته داخلی، مزید بر علت شد تا جنبش دیگر پویائی و تحرک و شگوفای اولی خود را نداشته باشد.

بر علاوه ده ها عامل دیگر، که ما از داخل شدن به جزییات آن ها بخاطر طولانی نشدن بحث خود داری می کنیم، سبب شد تا جریان دموکراتیک نوین آن طوریکه مردم انتظار داشتند نتواند نقش محوری در تحولات ده های گذشته به عنوان تنها جریان دموکراتیک و مردمی در کشور ما و منطقه و جهان داشته باشد. ضعف و ناتوانی جنبش در کشور و ضعف جنبش انقلابی جهانی سبب شد تا جریان های ارتجاعی و وابسته با دزدیدن رهبری مبارزه و مقاومت مردم عملاً مسیر مقاومت را به سمتی کشانند که مردم کشور بعد از آن همه قربانی های بیشمار و تحمل خسارات، ناملایمت ها، رنج ها و مهاجرت ها نه تنها به اهداف شان که همانا استقلال و آزادی کشور بود نرسیدند؛ بلکه با دامن زدن مسایل قومی، مذهبی، لسانی و سمتی مردم کشور را به جان هم انداخته و خون های بسیاری را ریختانند. بالاخره این وضعیت سبب پیدایش گروه های ارتجاعی و تروریستی بنام طالب، القاعده و داعش و در نتیجه سبب اشغال کشور توسط امپریالیزم امریکا و متحدین آن در پیمان ناتو گردید.

لازم می بینم یاد آور شوم که ضعف ها، کمبودات و کم کاری های جنبش هرگز بدین معنی نیست که جنبش دموکراتیک نوین هیچ کاری در دوران حیات سیاسی خویش برای مردم کشور نکرده است. در دوران جنگ مقاومت ضد سوسیال امپریالیسم شوروی نقش دسته ها، گروه ها، اشخاص و جبهات منسوب به این جریان در سراسر کشور چه به شکل مستقل و بعضاً هم جبهات مشترک با متحدین نظامی شان بسیار برجسته و موثر بوده و دست آوردهای بسیار بسیار عمده را در کارنامه سیاسی شان داشته است. تک تک مردم افغانستان شاهد آن اند و نمیتوانند نادیده بگیرند. تقدیم صدها و هزاران شهید، معلول و معیوب، صدها و هزارها رزمنده دیگر در بند در زندان های هولناک رژیم مزدور "خلق" و "پرچم" می تواند شاهد زنده این مدعا باشد. افتخار دیگری که جنبش دموکراتیک نوین دارد، و جا دارد که به آن افتخار کرد، این است که هیچ گاهی و تحت هیچ شرایطی در وطن فروشی سهم نداشته و دستان شان به خون مردم افغانستان آلوده نبوده و با هیچ رژیم ارتجاعی سارشان ننموده و همیشه رژیم ستیز بوده است.

استقلال فکری سیاسی و اقتصادی یکی از ویژگی های دیگری این جنبش است که حتی بخاطر بقای سیاسی اش هم هیچگاهی چون سایر جریانات، نیروها و احزاب ارتجاعی و وابسته سر بر آستان کدام قدرت نگذاشته و سرنوشت مردم کشور را به معامله نگرفته است.



خون فرزند وطن

خیز ای خلق کبیر

خیز ای موج خروشنده پیکار سترگ

که اجیران ستم

پاسبانان دژ استبداد

دشنه وحشت و کین آغشتند

آزمندانه بخون

خون فرزند وطن

خون فرزند ستمدیده این مرز کهن

